بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی انار قلوب المؤمنین ببوار الکافرین
والمنافقین وحمد نفسه علی قطع دابر الظالمین
والصلوة علی فخر العالمین محمد واهل بیته الطاهرین
ولعنة الله علی اعدائهم الی یوم الدین اما بعد
چنین گوید تراب اقدام طالبان حق ویقین محمد باقر
بن محمد تقی حشرهما الله مع الائمة المعصومین
که چون در تاریخ کشته شدن عمر بن الخطاب علیه
اللعنة والعذاب میان خاصه وعامه اختلافی
هست درین رساله اشارهٔ مجمل باقوال ومستند
آنها می نماید بدانکه مشهور میانهٔ علمای خاصه
وعامه آنست که کشتن آنملعون در بیست و
ششم ماه ذی الحجه واقع شد وبعضی بیست
وهفتم نیز گفته اند ومستند این دو قول نقل
مورخانست واز کتب معتبره چنان معلوم می
شود که چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است
قتل آنملعون در نهم ماه ربیع الاول واقع شده
است وسابقا میان جمعی از شیعه نیز چنین

مشهور

مشهور بوده است وسید بزرگوار علی بن طاوس رض
در کتاب اقبال اشاره نموده است بانکه ابن بابویه
علیه الرحمة والرضوان روایتی از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که آن
ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل
متوجه شده است واز نقل او چنان مفهوم می
شود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است
هر چند خود آن حدیث را تاویلی نموده است
وایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان
عجم پیوسته آنروز را باین سبب تعظیم وتکریم نموده
اند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس در کتاب
زواید الفواید این مذهب را تقویت کرده است
و روایت معتبری درین باب ایراد نموده است
چنانچه گفته است که روایت کرده اند که محمد
بن العلا همدانی ویحیی بن محمد بن جریح بغدادی
که روزی ما منازعه کردیم در باب عمر بن الخطاب
علیه اللعنة والعذاب و رفتیم در شهر قم بنزد احمد
بن اسحق قمی که از خواص حضرت امام علی نقی و امام حسن

عسکری صلوات الله علیهما بود و بخدمت حضرت
صاحب الامر علیه السلام نیز رسیده بود و چون در را
کوبیدیم دختر عراقی بیرون آمد و احوال احمد را
از او پرسیدیم گفت او امروز مشغول اعمال عید است
و این روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله
عیدهای مؤمنان چهار است عید فطر و عید
اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که
احمد بن اسحق از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه
روایت میکند که امروز عید است و بهترین
عیدهاست نزد اهل بیت رسالت علیهم السلام
و شیعیان ایشان گفتیم که رخصت بطلب تا
بنزد او آییم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد
بسوی ما و لنگی بسته بود و عبائی بر خود پیچیده
بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم که این
چه حالتست که در تو مشاهده می کنیم گفت الحال
از غسل عید فارغ شده ام گفتیم امروز مگر عید است
گفت بلی و مادر خانه خود را آورد و بر روی
کرسی نشانید و گفت روزی با جمعی از برادران

خود

خود بنزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری
رفتیم در سر من رای در مثل این روز که شما بنزد من
آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت حضرت
رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته
و مجمره در پیش خود گذاشته است و بدست مبارک
خود عود در آن مجمره می اندازد و مجلس خود را مزین
گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود
جامه های فاخر پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله
پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت
امروز فرحی تازه رو داده است حضرت فرمود
کدام روز حرمتش از این روز نزد اهل بیت عظیم
تر است بدرستی که خبر داد مرا پدرم علیه السلام که
حذیفه بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد
بر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله حذیفه گفت
که دیدم که حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن
و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم را که با
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله طعام
تناول می نمودند و آن حضرت بر روی ایشان تبسم می

نمود و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام
گفت بخورید گوارا باد از برای شما برکت این روز
بدرستی که این روزیست که حق تعالی هلاک می
کند درین روز دشمن خود و دشمن جد شما را و
مستجاب میکرداند درین روز دعای ما در شما را بخورید
که این روزیست که حق تعالی درین روز قبول می کند
اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که این روزیست
که ظاهر میشود راستی قول خدا که می فرماید که فتلك
بیوتهم خاویة بما ظلموا یعنی اینست خانهای ایشان که
خالی کردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که
که این روزیست که شکسته میشود درین روز
شوکت دشمن جد شما و یاری کنندهٔ دشمن شما
بخورید که درین روز هلاک می شود فرعون اهل بیت
من و ستم کننده بر ایشان و غصب کنندهٔ حق
ایشان بخورید که این روزیست که حق تعالی
دشمنان شما را باطل و هبا می کرداند حذیفه گفت که
من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود
که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه

بی

بی از منافقان بر ایشان سر کرده خواهد شد و دعوای
ریاست در میان ایشان خواهد نمود و تازیانهٔ
ظلم و ستم را بر دوش خواهد گرفت و مردم را از راه
خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد
نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند
مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم
خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابی طالب خواهد
کرد و فیء غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا
و برادر من و وزیر من علی را بد و نسبت خواهد
داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد و بند
پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی
نفرین او را درین روز مستجاب خواهد کردانید
حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی که حق تعالی
او را در حیوة تو هلاک کرداند حضرت فرمود ای
حذیفه دوست نمیدارم که جرأت کنم بر قضای
خدا و از و طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است
ولیکن از حق تعالی سؤال کردم که فضیلت دهد آن
روزی را که در آن روز او بجهنم میرود بر سایر روزها

تا انکه احترام از و زستی کردد در میان دوستان
من و دوستان و شیعیان اهل بیت من پس حق تعالی
وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق من
کذشته است که دریابد تو او اهل بیت ترا محنتها
و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غصب کنندکان
ادبندکان من ان منافقانی که تو خیرخواهی ایشان
کردی و با تو خیانت کردند و تو با ایشان راستی
کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف
بودی و ایشان دشمنی ترا بدل کرفتند و تو ایشانرا
خوشنود کردانیدی و ایشان ترا تکذیب کردند
و تو ایشانرا بر کزیدی و ایشان ترا در بلیه کذاشتند
و سوکند یاد میکنم بجلال و قوت و پادشاهی خود که
البته بکشایم بر روح کسی که غصب کند حق علی را
که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین
طبقهای جهنم که ان افیلوق می کویند و او را و
اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از
مرتبهٔ خود بر او مشرف شود و او را لعنت کند و
ان منافق را در قیامت عبرت کردانم برای

فرعو

فرعونهای که در زمان پیغمبران دیکر بوده اند و برای سایر
دشمنان دین و ایشانرا و دوستان ایشانرا بسوی
جهنم برم با دیدهای کبود و رودهای ترش با نهایت
مذلت و خواری و پشیمانی و ایشانرا ابدالاباد در
عذاب خود بدارم ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مکر بانچه
میرسد با او از بلاها از فرعون او و غصب کنندهٔ
حق او که جرات می کند بر من و کلام مرا بدل می کند
و شرک بمن می آورد و مردم را منع میکند از راه رضای
من و کوساله را از برای امت تو برپا می کند کر از ابو بکر است
و کافر میشود بمن در عرش عظمت و جلال من بدرستی
که من امر کرده ام ملائکه هفت اسمان خود را که برای
شیعیان و محبان دین شما که عید کنند ان روز زیرا که ان ملعون
کشته میشود و امر کردم ایشانرا که کرسی کرامت مرا
نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من
و طلب امرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما
از فرزندان ادم و امر کرده ام ملائکه نویسندکان
اعمالرا که ازین روز تا سه روز قلم از مردم بردارند
و ننویسند کناهان ایشانرا برای کرامت تو و وصی تو

ای محمد این روز را عیدی کردانیده ام برای تو و اهل بیت
تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان
ایشان و سوکند یاد می کنم بر خود بعزت و جلال خود
و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید
کند این روز را برابر ثواب آنها که بدور عرش احاطه
کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او
و زیاده کنم مال او را اگر کشادکی دهد بر خود و عیال
خود درین روز و هر سال درین روز صد هزار هزار
کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد
کرده ام و اعمال ایشان را قبول کرده ام و گناهان ایشان را
بیامرزم حذیفه گفت پس برخاست رسول خدا
صلی الله علیه و آله و بخانه ام سلمه رفت و من بر
گشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد
از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدم که او
چه فتنها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار
نمود و از دین بر کشت و دامان بیحیائی و وقاحت
برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف
کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها

در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد
و سنت آن حضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیر
المؤمنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله
علیه و آله را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد
و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و
و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و رضاجوئی
اهل بیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول را
برطرف کرد و تدبیر کشتن امیر المؤمنین کرد و جور و
ستم را در میان مردم علانیه کرد و هر چه خدا حلال
کرده بود حرام کرد و هر چه را خدا حرام کرده بود
حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درم
بسازند و خرج کنند و در بر شکم فاطمه زهرا زد و بر
منبر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بالا رفت و بر
حضرت امیر المؤمنین ع افترا بست و با آن حضرت
معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت نسبت
داد حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای برگزیده خود و
دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب کردانید
و قتل او را بر دست کشنده او جاری ساخت

رفتم بنزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که
آن حضرت را تهنیت و مبارکباد بگویم بآنکه آن منافق
کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون حضرت
مرا دید گفت ای حذیفه آیا خاطر داری این روز را که آمدی
بنزد رسول خدا صلی الله علیه وآله و من و دو سبط
او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم و با او
طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این
روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت فرمود که
بخدا سوگند که این روزیست که حق تعالی در آن
روز دیده آل رسول صلی الله علیه وآله را روشن گردانید
و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه
گفت یا امیر المؤمنین میخواهم که آن نامها را از تو
بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است
که مؤمنان از شر آن منافق استراحت یافتند و روز
زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم است
و روز تخفیف گناهان شیعیانست و روز اختیار
نیکو برای مؤمنان است و روز برداشتن قلم از
شیعیانست و روز هدم شکستن بنای کفر و عدوانست

و روز

و روز عافیت است و روز برکتست و روز طلب خونهای
مؤمنانست و روز عید بزرگست و روز مستجاب
شدن دعا است و روز موقف اعظم است و روز
وفا بعهد است و روز شرطست و روز کندن
جامه سیاه است و روز ندامت ظالم است و روز
شکسته شدن شوکت مخالفانست و روز نفی
هموم است و روز فتحست و روز عرض اعمال
کافرانست و روز ظهور قدرت خدا است و روز
عفو از گناهان شیعیان است و روز فرح ایشانست
و روز توبه است و روز انابت بسوی حق تعالی است
و روز زکوة بزرگست و روز فطر دوم است و روز
اندوه باغیانست و روز گره شدن آب در گلوی
مخالفان است و روز خوشنودی مؤمنانست
و روز عید اهل البیت است و روز ظفر یافتن
بنی اسرائیل بر فرعونست و روز مقبول شدن اعمال
شیعیان است و روز پیش فرستادن تصدقات
است و روز زیادتی مثوبات است و روز قتل
منافقست و روز وقت معلوم است و روز سرور

اهل بیت است و روز مشهود است و روز قهر بر
دشمنان است و روز خراب شدن بنیان ضلالت است
و روز نیست که ظالم انگشت ندامت بدندان می‌گزد
و روز تنبیه است و روز شرف است و روز
خنک شدن دلهای مؤمنان است و روز شهادت
است و روز تازگی بوستان اهل ایمانست و روز
شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مؤمنان
است و روز برطرف شدن پادشاهی منافقان است
و روز توفیق اهل ایمانست و روز رهائی مؤمنان
از شر کافرانست و روز مظاهرة است و روز
مفاخرة است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل
و تعظیم است و روز نحله و عطا است و روز
شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومان است
و روز زیارت کردن مؤمنان است و روز محبت
کردن ایشانست و روز رسیدن برحمتهای الهی است
و روز پاک گردانیدن اعمالست و روز فاش کردن
رازهاست و روز برطرف شدن بدعتها است
و روز ترک گناهان کبیره است و روز ندا کردن

بحق

بحق است و روز عبادت است و روز موعظه و نصیحت
است و روز انقیاد پیشوایان دین است حذیفه
گفت که پس از خدمت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه برخواستم و گفتم اگر دریابم از افعال الخیر و ا
امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز و داشتن
فضیلت این را هر آینه منتهای آرزوی من خواهد
بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون
این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک بر
خواستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر می
میکنیم خداوندی را که برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه
فضیلت این روز را بما رسانیدی پس بخانهای خود
برگشتیم و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب
زوائد الفوائد گفته است که این حدیث را از خط
علی بن محمد بن طی رحمة الله علیه نوشتم و در کتب دیگر تتبع
کردم چندین روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد
برین روایات نمودم و سزاوار است شیعیان را
که این روز را تعظیم نمایند و اظهار شادی و سرور
درین روز بکنند و شیخ ابرهیم بن علی کفعمی در کتاب

مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه
روایت کرده است که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول
انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب
است درین روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو
گردانیدن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود
و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر عبادت
حق تعالی و این روز برطرف شدن غمها است
و روز روزه داشتن نیست مترجم گوید که
از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت
این روز و وقوع این قضیه مبارکه در باب احادیث
بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان
شیعه مشهور بوده است و بر خلاف فنش روایتی
بنظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان
عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر
کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمه که
سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چون می تواند
بود که مضبوط نماند جواب آنست که این
واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت صلی الله علیه

علیه وآله

و آله و شهادت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
عظیم ترینست و در هر یک از آنها خلاف میان
خاصه و عامه هست و در واقعه اول اتفاق
دارند عامه بر خلاف آنچه مختار شیعه است و
اگر گویند که باعث بر افترای ایشان اینجا چیست جواب
میگوئیم که شبهه در هر دو جا جاریست و باعث
قوی در اینجا هست که ممکن است که برای رفع
شماتت دشمنان اخفای آن نموده باشند و علی
ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه بر آنست
که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک
میشوند بنا بر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که
هر که ثوابی از خدا باو رسد بر عملی و آنرا بجا آورد
آن ثواب باو داده میشود هر چند چنان نباشد
که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز که
نوعش از شارع واقع شده باشد و مخالفتی
با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد
خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد گردید

وبعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنة درین
روز بجهنم واصل شده است واگر چنین باشد
این شرافت نیز برای ان کافیست تمت الرسالة
والحمد لله وحده وصلی الله علی محمد واله الطاهرین
ولعنت الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد
شیخ صدوق محمد بن بابویه قمی رحمة الله علیه در کتاب توحید
وکتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام بسند
صحیح روایت کرده است از سلیمن جعفری عن ابی
الحسن الرضا علیه السلام قال ذُکِرَ عندَهُ الجبرُ والتفویض
فقال الا اُعطیکم فی هذا اصلاً لا تختلفونَ فیه
ولا یخاصمکم علیه احدٌ الا کسرتموه قلنا
اِن رأیتَ ذلک یعنی سلیمن جعفری از حضرت
امام رضا علیه السلام روایت کرده است که مذکور
شد نزد انحضرت مذهب جبر وتفویض پس
حضرت فرمود که ایا ببخشم بشما درین باب اصلی

وقاعده

وقاعده کلی که در ان باب اختلاف نکنید و مخاصمه
نکنند در ان باب باشما احدی از مخالفان مگر
اورا در هم شکنید وحجت او را باطل کردانید
گفتیم اگر مصلحت دانی شفقت خواهی کرد فقال ان
الله عز وجل لم یُطَع باکراهٍ ولم یُعصَ بغلبةٍ
ولم یُهمِلِ العبادَ فی مُلکه هو المالکُ لما مَلَّکهم
والقادرُ علی ما اَقدَرَهم علیه فانِ ائتمرَ العبادُ
بطاعته لم یکن الله عنها صادّاً ولا منها مانعاً
وانِ ائتمروا بمعصیته فشاءَ ان یحولَ بینهم و
بین ذلک فعلَ وان لم یَحُل وفعلوهُ فلیس هو
الذی اَدخلهم فیه ثم قال من یضبط حدودَ
هذا الکلامِ فقد خَصَمَ من خالفه پس حضرت فرمود
که بدرستی که خدای عز وجل اطاعت کرده نمیشود
باکراه که خدا جبر کند ایشانرا بر طاعت و معصیت
کرده نشده است بغلبه که نتواند ایشانرا از
معصیت باز داشتن و ایشان بر خداوند خود
غالب شده باشند و مهمل نگذاشته است
بندگانرا در ملک خود اوست مالک هر چیز که